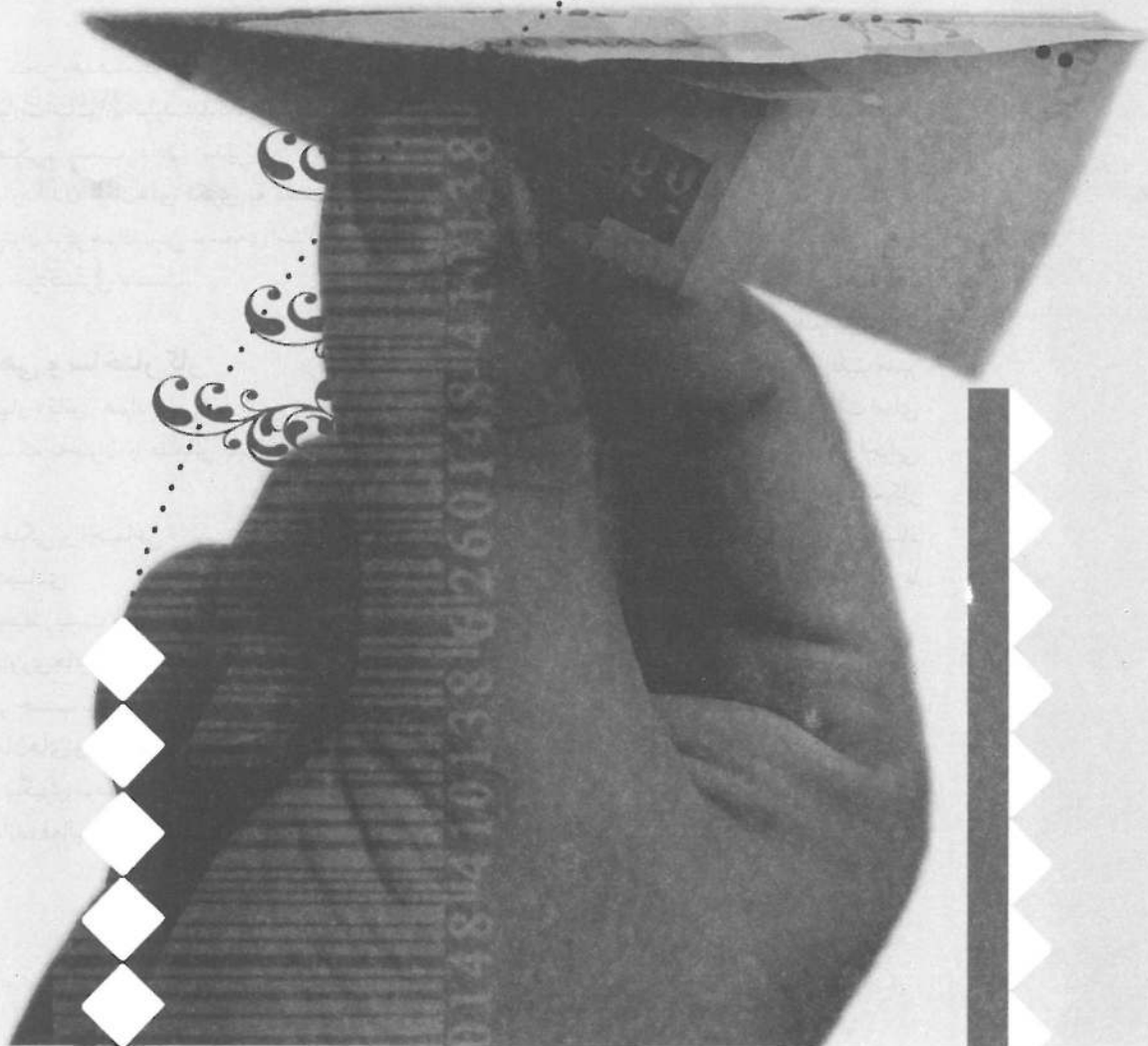


ارز پاپه عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۴

علی مزروعی

تحلیل عملکرد اقتصادی کشور باعث می‌شود که از یک سو نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشور شناخته شود و در جریان تصمیم‌گیری‌ها و تدوین هر نوع سیاست اصلاحی در عرصه‌ی اقتصاد، فضای بیشتری فراهم شود و از سوی دیگر تأثیر شرایط محیطی و محدودیت‌های خارج از کنترل مشخص‌تر شود و در نتیجه امکان استفاده‌ی بیشتر از این شرایط و محدودیت‌ها فراهم آید. با این رویکرد بررسی و تحلیل عملکرد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۴ و ارائه‌ی اطلاعات آماری می‌تواند به‌عنوان ابزار مناسبی در تبیین روندهای موجود و پیش‌بینی روندهای آینده‌ی اقتصاد کشور به کار آید و زمینه‌ی سیاستگذاری مؤثر و مناسب برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را فراهم کند. سیاستهای اقتصادی جاری در سال ۱۳۸۴ باید بر پایه‌ی «قانون برنامه‌ی چهارم توسعه» و همسو با اسناد بالادستی تدوین این قانون یعنی «سند چشم‌انداز



توسعه‌ی ۲۰ ساله‌ی کشور» و «سیاست‌های کلی برنامه» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به اجرا درمی‌آمد، اما نگرش‌های جدید نسبت به مسائل اقتصادی در مجلس هفتم، مسأله‌ی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم و استقرار دولت جدید به ریاست احمدی‌نژاد و در همسویی فکری با مجلس هفتم و اتخاذ رویکردهای تازه در عرصه‌ی سیاست خارجی به‌ویژه پرونده‌ی هسته‌ای ایران، به‌شدت شرایط اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داد و در عمل به فاصله‌گیری دولت نهم از اجرای کامل برنامه‌ی چهارم توسعه در این سال انجامید. ارائه‌ی دو لایحه‌ی متمم بودجه در ماه‌های پایانی سال و درخواست برداشت ۹۸۱۵ میلیون دلار از «حساب ذخیره‌ی ارزی» برای تأمین کسری بودجه‌ی دولت، که با تصویب مجلس هفتم همراه بود، دلیل آشکاری بر این موضوع است و متأسفانه وقوع این رخداد را نمی‌توان اقدام درستی در پابندی به برنامه‌ای عمل کردن در اصلاح ساختار اقتصاد کشور و در ادامه‌ی روند گذشته قلمداد کرد. در مجموع از آنجا که عملکرد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۴ به عملکرد دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد ارتباط می‌یابد، در هر گونه نتیجه‌ای باید دو دولت را شریک دانست اما طبیعی است آثار و پیامدهای ناشی از سیاست‌های جدید دولت نهم که به تدریج در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی کشور ظاهر شده و می‌شود، متوجه جناح حاکم در دولت و مجلس و سایر نهادها خواهد بود و در گذر زمان و با ظهور نتایج آنها بهتر می‌توان به ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت نهم پرداخت.

در سال ۱۳۸۴ روند افزایش قیمت نفت شدت یافت و با وجود جابه‌جایی دولت و تغییر سیاست‌ها در عرصه‌ی داخلی و خارجی و تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین پاره‌ای از محدودیت‌های داخلی ناشی از چالش‌های سیاسی و مشکلات نهادی و ساختاری واحدهای تولیدی و خدماتی، اقتصاد ایران با بهره‌گیری از درآمد بالای نفت توانست با رشدی مثبت این سال راپشت‌سرگذارد، سالی که درآمد نفت به رقمی افسانه‌ای در تاریخ معاصر اقتصادی ایران رسید.

با توجه به این مقدمه و با در نظر گرفتن مجموعه شرایط محیطی و داخلی که کشور با آن مواجه بوده، در ادامه تلاش خواهیم کرد به ارائه‌ی تصویری از عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۴ با تکیه بر شاخص‌های کلان اقتصادی و ارزیابی آن بپردازیم. طبعاً ارزیابی واقع‌بینانه،

علمی و کارشناسانه‌ی عملکرد اقتصادی کشور می‌تواند مبنای مناسبی برای ارزیابی عملکرد هر دولت در انطباق با شعارها، برنامه و پاسخگویی به مطالبات شهروندان و چگونگی دستیابی به اهداف کمی قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باشد و به‌ویژه از این منظر دولت نهم و مجلس هفتم (جناح حاکم) را مورد نقد و ارزیابی قرار داد.

تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت

این شاخص نشان‌دهنده‌ی نتیجه‌ی کلی عملکرد اقتصادی کشور طی یک سال است.

گزارش حساب‌های ملی حاکی از رشد ۵/۴ درصدی این شاخص در سال ۱۳۸۴ است. هر چند رشد این شاخص به واسطه‌ی افزایش قیمت و درآمد نفت در مقایسه با رشد ۴/۸ درصدی سال ۱۳۸۳ افزایش ۰/۶ واحد را نشان می‌دهد، اما در مقایسه با متوسط عملکرد برنامه‌ی سوم توسعه ۵/۵۵ درصد متوسط سالانه طی سالهای ۷۹ تا ۸۳ کاهش ۰/۱ واحد را به نمایش می‌گذارد و اینکه اقتصاد ایران نتوانسته گام بلندتری در مسیر رشد و توسعه بردارد. لازم به یادآوری است در بخش اهداف کمی قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی دستیابی به نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه ۸ درصد، برای سالهای اجرای این برنامه (۸۴ تا ۸۸) پیش‌بینی شده است که در سال اول اجرای این برنامه باید شاهد تحقق نرخ رشد اقتصادی ۷/۱ درصد در کشور می‌بودیم، اما نرخ رشد ۵/۴ درصدی حاصل حکایت از فاصله‌ی معنادار با نرخ رشد پیش‌بینی شده، با وجود بهره‌مندی فراتر از پیش‌بینی برنامه در استفاده از درآمد نفت دارد و در واقع باید عملکرد اقتصاد ایران را در دستیابی به نرخ رشد هدف‌گذاری شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه در سال اول اجرا ناموفق ارزیابی کرد و طبعاً آن‌را با فاصله‌گیری از پابندی به اجرای تام و تمام قانون برنامه‌ی چهارم توسعه از سوی دولت نهم ارتباط داد. بدیهی است ادامه‌ی این وضعیت دستیابی به نرخ رشد متوسط سالانه‌ی اقتصادی ۸ درصد پیش‌بینی شده در اجرای قانون برنامه‌ی چهارم توسعه را ممتنع می‌کند. با توجه به اینکه شاخص تولید ناخالص داخلی ارتباط مستقیم با میزان درآمد ارزی کشور، جریان تشکیل سرمایه، بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، بودجه‌ی دولت، میزان واردات، جمعیت و... دارد و در مقام ارزیابی و به‌خصوص در مقام مقایسه با عملکرد اقتصادی دولتهای گذشته باید مجموعه‌ی این عوامل را با هم دید و داوری کرد. به عبارت دیگر عملکرد

سیاست‌های
اقتصادی جاری
در سال ۱۳۸۴
باید بر پایه‌ی
«قانون برنامه‌ی
چهارم توسعه» و
همسو با اسناد
بالادستی تدوین
این قانون یعنی
«سند چشم‌انداز
توسعه‌ی ۲۰
ساله‌ی کشور» و
«سیاست‌های کلی
برنامه» مصوب
مجمع تشخیص
مصلحت نظام به
اجرا درمی‌آمد

اقتصاد کشور و دولت ارتباط وثیقی با میزان منابع و امکاناتی که در آن به کار گرفته می‌شود دارد و به خصوص در اقتصاد ایران، شاخص تولید ناخالص داخلی به عنوان یک متغیر، شدیداً به میزان درآمد ارزی کشور، واردات و بودجه‌ی دولت بستگی دارد. طبق محاسبات انجام شده در این سال ارزش افزوده‌ی گروه نفت و گاز با کاهش نرخ رشد نسبت به سال ۱۳۸۳ روبه‌رو شد و از رشدی بالغ بر ۰/۶ درصد برخوردار شد. این رقم در مقایسه با نرخ رشد ۲/۶ درصدی ارزش افزوده‌ی این گروه در سال ۱۳۸۳ دو واحد درصد کاهش نشان می‌دهد که منعکس‌کننده‌ی مشکلاتی است که به این بخش از نظر سرمایه‌گذاری با آن روبه‌رو است. علل اصلی کاهش نرخ رشد این گروه به کاهش نرخ رشد استخراج نفت، کاهش در صادرات مستقیم نفت خام و صادرات از طریق بیع متقابل و همچنین کاهش در صادرات فرآورده‌های نفتی برمی‌گردد که برای اقتصاد نفتی ایران بسیار تأمل‌برانگیز است. سهم ارزش افزوده‌ی این گروه در رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۸۴ معادل ۰/۱ واحد درصد بوده است.

بخش کشاورزی پس از افت محسوس در عملکرد سال زراعی ۱۳۸۳، در نتیجه‌ی فراهم آمدن وضعیت مناسب‌تر به ویژه شرایط نسبتاً مساعد جوی، توانست در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل از نرخ رشد ۷/۱ درصدی بهره‌مند شود. برآوردهای ارزش افزوده‌ی گروه کشاورزی نشان می‌دهد که در هر دو بخش تولید محصولات زراعی و باغی و تولید محصولات دامی، رشد قابل توجهی نسبت به دوره‌ی مشابه سال قبل حاصل شده است. براساس آمارهای مقدماتی وزارت جهاد کشاورزی، تولید محصولات عمده‌ی این گروه که شامل گندم، جو، برنج، محصولات باغی و محصولات اصلی دامی است به ترتیب ۷/۱، ۳/۴، ۱۱/۵، ۶/۹ درصد نسبت به سال ۱۳۸۳ رشد داشته است. سهم ارزش افزوده‌ی این بخش در رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۸۴، یک واحد درصد بوده است. گروه صنایع و معادن در سال ۱۳۸۴ با نرخ رشدی معادل ۶/۷ درصد از عملکرد نسبتاً موفق‌تری برخوردار بوده، به نحوی که توانست ۱/۶ واحد درصد از کل ۵/۴ درصد نرخ رشد اقتصادی را در دوره‌ی مورد بررسی تحقق بخشد. با وجود این سهم مذکور در مقایسه با سال قبل ۰/۴ واحد درصد کاهش داشته است. نرخ رشد این گروه در سال ۱۳۸۳ معادل ۸/۴ درصد بوده است. در بین زیربخش‌های این گروه، بخش صنعت در سال ۱۳۸۴ با کاهش نرخ رشد مواجه شد، به نحوی که نرخ رشد این بخش از ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۷/۱ درصد تنزل یافت. تولید محصولات عمده‌ی این بخش که عبارت از فولاد خام، محصولات فولادی، اتومبیل سواری و سیمان است، در سال ۱۳۸۴ در مقایسه با سال قبل به ترتیب ۶/۵، ۱۰/۹، ۶/۳ و ۱/۴ درصد رشد داشته است.

بخش ساختمان نیز که از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۲ وارد شرایط رکودی شده و این شرایط در سال ۱۳۸۳ شدت یافته بود، در سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۴ با رشد ۱۱/۴ درصد نشانه‌هایی از شرایط رونق را به نمایش گذاشت. عملکرد این بخش در سه ماهه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ با شرایط رکودی مواجه شد، اما بار دیگر و عمدتاً در نتیجه‌ی افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای دولتی و نیز رشد ساختمانهای تکمیل‌شده‌ی خصوصی در مناطق شهری، در سه ماهه‌ی سوم وضعیت آن بهبود یافت. در نهایت در سال ۱۳۸۴ نرخ رشد این بخش به ۴/۴ درصد رسید که در مقایسه با نرخ رشد ۴/۱ درصدی سال قبل گویای شرایط نسبتاً بهتری است. در صورتی که آمار پروانه‌های



صادره‌ی ساختمانی در بخش خصوصی مناطق شهری را به عنوان یک پیش‌نماگر قلمداد کنیم، وضعیت رکودی در بخش مسکن طی سال جاری نیز کم و بیش ادامه خواهد یافت. گروه خدمات که بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است، همچون سال ۱۳۸۳ رشد ملایمی را پشت سر گذاشته، به نحوی که نرخ رشد این گروه در سال ۱۳۸۴ به ۵/۶ درصد رسید. نرخ رشد ارزش افزوده‌ی گروه خدمات در سال ۱۳۸۳ برابر ۴/۶ درصد بوده است. سهم ارزش افزوده‌ی این گروه در رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۸۴ معادل ۲/۹ واحد درصد بوده است.

تشکیل سرمایه

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، شاخص جریان تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی هر کشور را نشان می‌دهد. این شاخص از اهمیت بسزایی در روند رشد و توسعه‌ی یک کشور برخوردار است. لازم به ذکر است که در متون اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه، دستیابی به رقم حداقل ۲۵ درصد برای این شاخص را ضروری می‌دانند و البته برای کشوری با شرایط ایران که دست به گریبان مشکلاتی همچون میزان بیکاری دو رقمی و فقر شدید دو دهک جمعیتی است دستیابی به رقم حداقل ۳۵ درصد الزام‌آور می‌نماید. رقم این شاخص در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳ تفاوت معناداری را به نمایش نمی‌گذارد. ضمن آنکه تفاوت معناداری را با رقم حداقل ۳۵ درصد نشان می‌دهد.

نکته‌ی مهمی که باید در رابطه با این شاخص به آن توجه داشت این است که در جامعه‌ی ما درصد بسیار کمی از شهروندان درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند و به سرمایه‌گذاری اختصاص می‌دهند. در نتیجه جریان انباشت سرمایه به‌کندی صورت می‌گیرد و در واقع در کشور ما سیاستهای «توزیع و مصرف درآمد» بر سیاستهای «تولید ثروت» کاملاً غلبه دارد، به‌گونه‌ای که در استفاده از منابع و ثروت متعلق به آیندگان (منابع و ذخایر بین نسلی مثل نفت و گاز) گشاده‌دستی شده، بدون آنکه برای نسل‌های بعدی سرمایه‌گذاری شود. حال اگر در نظر آوریم که عمر سرمایه‌گذاری‌های گذشته نیز، به‌خصوص در بخش صنایع، رو به پایان است و جایگزینی لازم برای جبران استهلاک سرمایه به‌خوبی انجام نگرفته است به عمق مشکل پی خواهیم برد. طبیعی است که ادامه‌ی این روند نه تنها به نفع اقتصاد ملی

نیست، بلکه موجبات عقب‌افتادگی بیشتر کشور را فراهم می‌سازد. از این رو ضرورت توجه هر چه بیشتر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی و ایجاد بسترهای مناسب حقوقی و نهادی و شرایط مساعد داخلی و محیطی برای تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری باید بیش از پیش در دستور کار اداره‌ی کشور قرار گیرد. نکته‌ی مهم و قابل توجه آنکه به دلیل تحولات به‌وجود آمده، جریان خروج سرمایه از کشور در سال ۱۳۸۴ دامن زده شد، هر چند رقم دقیق آن معلوم نیست و جریان ورود سرمایه به کشور که در دولت خاتمی رو به افزایش بود نیز کند و از حدود سه میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به زیر یک میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ تنزل یافت و طبعاً این رخداد را در رابطه با اداره‌ی اقتصاد ایران باید منفی ارزیابی کرد و البته علل وقوع چنین رخدادی را باید در مجموعه‌ی سیاستها و اقداماتی که مجلس هفتم و دولت نهم پی گرفته‌اند جست‌وجو کرد.

از منظر ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۴ در رابطه با این شاخص با هدف کمی برنامه‌ی چهارم یادآور می‌شود که تحقق نرخ رشد متوسط سالانه ۱۲/۲ درصد برای سرمایه‌گذاری طی سالهای اجرای برنامه‌ی چهارم هدف‌گذاری شده است که در سال ۱۳۸۴ باید نرخ رشدی معادل ۱۱/۳ درصد برای سرمایه‌گذاری تحقق می‌یافت، اما عملکرد اقتصاد ایران حاکی از تحقق نرخ رشد ۵/۸ درصدی است که فاصله‌ی معناداری را با نرخ رشد پیش‌بینی شده در برنامه نشان می‌دهد و این در شرایطی است که ایران نیاز فراوان به سرمایه‌گذاری برای حل مشکلاتی از قبیل بیکاری و فقر و توزیع درآمد دارد و عملکرد حاصل حکایت از عدم پاسخگویی به نیاز اشتغال جمعیت فعال و جویای کار و رو به ازدیاد بازار کار ایران دارد.

نرخ تورم

مجموعه‌ی سیاستهای اقتصادی به کار گرفته شده در دولت خاتمی موجبات مهار نرخ تورم و نوعی ثبات‌بخشی به آن را در اقتصاد ملی فراهم آورد، به‌گونه‌ای که با وجود اجرای سیاست انبساط پولی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ و رشد نقدینگی ۳۴/۳ درصدی در این سال، نرخ تورم با کاهش نسبت به رقم ۱۵/۲ درصد سال قبل به ۱۲/۱ رسید. با توجه به رکودی که به تدریج دامنگیر بازار بورس و مسکن و برخی کالاها و تولید و اشتغال

ارائه‌ی دو
لایحه‌ی منتم
بودجه در ماههای
پایانی سال و
درخواست
برداشت ۹۸۱۵
میلیون دلار از
«حساب ذخیره‌ی
ارزی» برای
تأمین کسری
بودجه‌ی دولت،
که با تصویب
مجلس هفتم
همراه بود، دلیل
آشنکاری بر این
موضوع است و
متأسفانه وقوع
این رخداد را
نمی‌توان اقدام
درستی در
پایبندی به
برنامه‌ای عمل
کردن در اصلاح
ساختار اقتصاد
کشور و در
ادامه‌ی روند
گذشته قلمداد
کرد

در سال ۱۳۸۴
 روند افزایش
 قیمت نفت شدت
 یافت و با وجود
 جابه‌جایی دولت
 و تغییر سیاستها
 در عرصه‌ی
 داخلی و خارجی و
 تنش‌های
 منطقه‌ای و
 بین‌المللی و
 همچنین پاره‌ای
 از محدودیت‌های
 داخلی ناشی از
 چالش‌های
 سیاسی و
 مشکلات نهادی
 و ساختاری
 واحدهای تولیدی
 و خدماتی، اقتصاد
 ایران با بهره‌گیری
 از درآمد بالای
 نفت توانست با
 رشدی مثبت این
 سال را پشت‌سر
 گذارد، سالی که
 درآمد نفت به
 رقمی افسانه‌ای
 در تاریخ معاصر
 اقتصادی ایران
 رسید

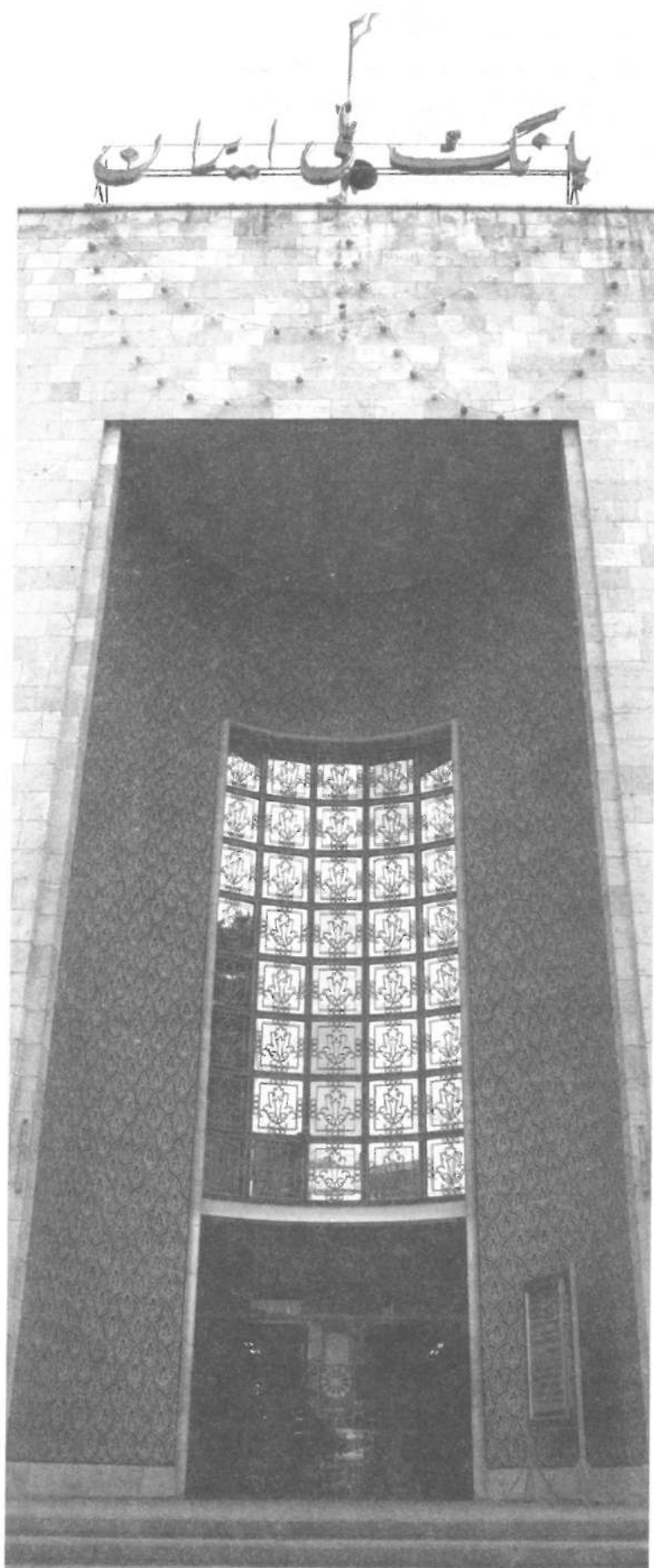
شد و در عین رخداد رشد نقدینگی بالا، دستیابی به این نرخ تورم جای بحث و مناقشه در این باره را باز کرد. برخی نظرات بر از هم گسستگی رابطه‌ی «نرخ تورم» و «رشد نقدینگی» در اقتصاد ایران در سالهای اخیر به دلیل تحولات حادث اشاره دارد و برخی دیگر آن را ناشی از شرایط رکودی و عدم چرخش پول متناسب با نقدینگی موجود در فعالیتهای اقتصادی، افزایش واردات کالاهای مصرفی و خروج سرمایه از کشور ارزیابی می‌کنند. از آنجا که شاخص «تورم» نقش مهمی در ایجاد ثبات اقتصادی، توزیع درآمد و حفظ قدرت خرید مردم و روی‌آوری آنان به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارد، مهار آن از سوی دولتها بسیار حایز اهمیت به شمار می‌رود. به‌ویژه آنکه تعیین نرخ سود بانکی و بازدهی فعالیتهای اقتصادی و تجاری ارتباط محکمی با این شاخص دارد. مجلس هفتم و دولت نهم که بر اجرای سیاست کاهش نرخ سود بانکی تأکید دارند و در سال گذشته و جاری این موضوع را دنبال کرده‌اند، طبعاً باید نسبت به مهار و کاهش نرخ تورم نیز تصمیمات و اقدامات همسویی را دنبال کنند، اما اعداد و ارقام دو لایحه‌ی متمم بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ و بودجه‌ی مصوب کل کشور برای سال ۱۳۸۵ چنین چشم‌اندازی را به نمایش نمی‌گذارد. هر چند رقم ۱۲/۱ درصدی نرخ تورم برای سال ۱۳۸۴ را باید به فال نیک گرفت، اما به نظر می‌رسد در سال جاری باید انتظار نرخ تورم بالایی را داشت. از منظر ارزیابی عملکرد اقتصادی کشور با هدف کمی پیش‌بینی شده برای شاخص تورم در برنامه‌ی چهارم توسعه نیز دستیابی به نرخ تورم ۱۴/۶ درصد برای سال ۱۳۸۴ هدف‌گذاری شده است که در مقایسه با نرخ تورم ۱۲/۱ درصدی حاصل نشانه‌ی موفقیت است. یادآور می‌شود که دستیابی به نرخ رشد متوسط سالانه‌ی تورم ۹/۹ درصد در سالهای اجرای برنامه‌ی چهارم پیش‌بینی و دستیابی به نرخ تورم یک رقمی از اهداف اصلی آن به شمار می‌رود.

تجارت خارجی

تراز بازرگانی و تراز حساب جاری کشور در سال ۱۳۸۴ همچون سالهای پس از ۷۸ به دلیل افزایش قیمت نفت و تحولات در عرصه‌ی تجارت خارجی مثبت بوده است. درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۸۴، بالغ بر ۴۸۸۲۳ میلیون دلار (بالاترین رقم درآمد نفت در تاریخ معاصر اقتصاد ایران) شد که در مقایسه با رقم

پیش‌بینی شده در برنامه‌ی چهارم توسعه برای این سال یعنی ۲۲۶۴۵ میلیون دلار، افزایش بیش از دو برابر را نشان می‌دهد. این درآمد علاوه بر اینکه امکان هزینه‌ی ارزی پیش‌بینی شده در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ را فراهم ساخت، مزایای معادل ۲۴۳۱۴ میلیون دلار را به‌وجود آورد که به «حساب ذخیره‌ی ارزی» واریز شد، اما با برداشت مبلغ ۲۱۰۹۹ میلیون دلار از این بابت هزینه‌های بودجه‌ی دولت و مابه‌التفاوت دیون مشمول تغییر نرخ ارز و پرداخت تسهیلات بالغ بر ۲۳۱۳ میلیون دلار به بخش خصوصی، مانده‌ی نقدی آنرا در پایان به رقم ۱۰۶۶۷ میلیون دلار کاهش داد، که اگر تعهدات ناشی از طرحهای مصوب هیأت امنای این حساب را از این مانده کسر کنیم ملاحظه می‌شود که برای اولین بار موجودی نقدی این حساب منفی ۲۰۴۸ میلیون دلار شده است. این اتفاق که با اصرار دولت جدید در برداشت از مانده‌ی این حساب و عمدتاً در قالب متمم‌های بودجه‌ی ۱۳۸۴ رخ داد. درست در سالی که ایران بیشترین درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را داشته است. اتفاق بسیار مهم و قابل تأملی است و به صراحت و قاطعیت می‌توان گفت که زنگ خطر ابتلا به «بیماری هلندی» را در اقتصاد ایران به صدا درآورده است.

«حساب ذخیره‌ی ارزی» یکی از ابتکارات و تمهیداتی بود که با استفاده از تجربیات اجرایی گذشته‌ی کشور در دولت خاتمی برای محافظت از تأثیرات بیرونی مزخرب نوسانات درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز بر اقتصاد ملی در تدوین برنامه‌ی سوم توسعه پیش‌بینی و پس از تصویب این قانون از سال ۷۹ به اجرا درآمد. در مسیر اجرا با اصلاح ماده‌ی مربوط در مجلس ششم در چگونگی نحوه‌ی استفاده از منابع این حساب، ۵۰ درصد آن برای اعطای تسهیلات ارزی به بخش خصوصی اختصاص یافت، که آن را باید یکی از مهمترین اقدامات دولت خاتمی در حمایت از بخش خصوصی و بهره‌گیری از درآمد نفت برای سرمایه‌گذاری و تولید به همت اصلاح‌طلبان به‌شمار آورد. ظاهراً افزایش مستمر درآمد نفت پس از سال ۷۸ یکی از اهداف تمهید این حساب را که همانا ایجاد لنگرگاهی مطمئن برای اقتصاد کشور در قبال جزر و مدهای درآمد ارزی کشور بوده است، از دیدگاه دولت نهم بلا‌موضوع کرده و همین امر باعث رویکرد هزینه‌ای به منابع موجود در این حساب شده است. یادآور می‌شود که موجودی نقدی پس از کسر این حساب، موقعی که عمر دولت خاتمی خاتمه



یافت، نزدیک به هفت میلیارد دلار بود و این در حالی است که در پایان سال ۱۳۸۴ و با گذشت هفت ماه از استقرار دولت احمدی‌نژاد همین موجودی منفی شده است و این به دلیل برداشت بیش از حد دولت برای مصارف بودجه‌ای از این حساب رخ داده است. در عین حال باید توجه کرد که هر گونه ذخیره‌ی ارزی در این حساب می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای قوی برای بهره‌مندی بیشتر کشور از امکانات بازار سرمایه‌ی جهانی باشد که با خالی شدن آن طبعاً امکان این بهره‌مندی هم از بین می‌رود. متأسفانه نوع نگاهی که پس از استقرار مجلس هفتم و دولت نهم نسبت به این حساب به وجود آمده و در عمل نیز استفاده از منابع آن‌را در جهت‌هایی غیر از سرمایه‌گذاری و تولید رقم زده است به‌طور قطع با فلسفه‌ی تأسیس این حساب در تناقض بوده و وجود آن‌را تقریباً بلاموضوع کرده است.

درآمد حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی در سال ۱۳۸۴ به رقم ۱۱۱۸۹ میلیون دلار رسید که حاکی از سیر صعودی و مثبت این شاخص در سالهای اخیر است. اگر در نظر آوریم که دستیابی به چنین رقمی همزمان با ثبات نسبی نرخ ارزی در شش سال گذشته به معنای واقعی کاهش نرخ برابری ارزهای خارجی با پول ملی و تغییر در ترکیب صادرات غیرنفتی از کالاهای سنتی به صنعتی رخ داده است، آنگاه به عملکرد مثبت سیاستهای اقتصادی دولت خاتمی در زمینه‌ی صادرات غیرنفتی بیشتر پی خواهیم برد و آن‌را باید موفقیتی برای کشور و اصلاح‌طلبان محسوب کرد، هر چند که تلاشهای بیشتری باید در جهت کسب درآمد از ناحیه‌ی صادرات غیرنفتی، به‌خصوص صادرات محصولات صنعتی انجام گیرد و راهبرد توسعه‌ی صادرات با همه‌ی لوازم و مقتضیاتش در اداره‌ی اقتصادی کشور پی گرفته شود.

رقم حاصل از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۸۴ در مقایسه با رقم پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه یعنی ۸۵۴۴ میلیون دلار حاکی از موفقیت عملکرد اقتصاد ایران در این مورد و افزایش ۳۰ درصدی نسبت به آن است و تحقق این امر، چشم‌انداز امیدوارکننده را پیش‌روی اقتصاد کشور قرار می‌دهد. میزان واردات در سال ۱۳۸۴ به رقم ۴۰/۹ میلیارد دلار رسیده که در مقایسه با رقم ۳۶/۶ میلیارد دلار سال ۱۳۷۲ و همه‌ی سالهای گذشته بالاترین رقم واردات در اقتصاد ایران است.

اما با توجه به شتاب واردات و عدم پایداری قیمت نفت، وضعیت حاکم بر تراز پرداخت‌های کشور را نمی‌توان روندی ماندگار و پایدار تلقی کرد. نقطه‌ی آسیب تراز پرداخت‌های کشور زمانی است که قیمت نفت در بازارهای جهانی دچار کاهش شود. علاوه بر این حساب جاری تراز پرداخت‌های کشور طی سالهای آتی از بابت پرداخت‌های حساب خدمات برای پروژه‌های B.O.T به‌خصوص در زمینه‌ی برق و سایر خدمات دولتی تحت فشار قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر در این دوره، خالص حساب سرمایه‌ی کشور دارای کسری معادل ۴۱۱ میلیون دلار بود. این کسری عمدتاً ناشی از کاهش مازاد حساب‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در نتیجه‌ی بازپرداخت بدهی‌های گذشته و افزایش مانده‌ی ارزهای تهاتری و نیز کاهش مازاد حساب بانکها و سایر به دلیل روند نزولی افزایش در اعتبارات اسنادی و افزایش دارایی‌های خارجی بانکها بوده است. مجموع دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و حساب ذخیره‌ی ارزی در این دوره ۱۳۵۷۴ میلیون دلار افزایش نشان می‌دهد که با احتساب ذخایر و دارایی‌های قبلی به رقمی بیش از ۵۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. از این رو می‌توان گفت دولت احمدی‌نژاد در موقعیتی کاملاً استثنایی به لحاظ پشتوانه‌ی مالی و اعتباری نسبت به دولت‌های پس از انقلاب مسئولیت اداره‌ی کشور را به‌عهده گرفته است. فرصتی که از آن می‌تواند برای جهش اقتصادی کشور و دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۲۰ساله‌ی کشور نهایت استفاده را ببرد.

ارزش پول ملی

عملکرد اقتصاد کشور را با توجه به مجموع شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌خصوص با تکیه بر دو شاخص رشد تولید و نرخ تورم داخلی و جهانی، در زمینه‌ی حفظ و تقویت ارزش پول ملی باید موفق ارزیابی کرد. در سال ۱۳۸۴ نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی چندان تغییری نکرد که این امر نوعی آرامش و ثبات را به اقتصاد ملی ارزانی داشت و فعالان اقتصادی را نسبت به نوسانات نرخ ارز در دامنه‌ای کم، اطمینان داد که در صورت شرایط مساعد می‌تواند در ترغیب این گروه برای سرمایه‌گذاری مؤثر باشد و انتظار می‌رود که سیاست حفظ و تقویت ارزش پول ملی همچون گذشته مورد توجه دولت باشد.

جالب آنکه اقتدارگرایان در همه‌ی سالهای گذشته به دولت خاتمی در مورد افزایش میزان واردات ایراد گرفته و آن را عملکرد منفی ارزیابی می‌کردند، اما تاکنون در قبال این رخداد در سال ۱۳۸۴، که رقم عمده‌ی واردات در نیمه‌ی دوم این سال و استقرار دولت احمدی‌نژاد انجام گرفته است، سکوت کرده‌اند. نگارنده در گذشته در پاسخ به این ایراد همواره یادآور می‌شد که در شرایط امروز جهانی میزان دادوستد با اقتصاد جهانی و تراز تجاری معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد اقتصاد یک کشور است و رقم واردات به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده‌ی عملکرد مثبت یا منفی باشد، اما در شرایط اقتصاد ایران باید افزایش چشمگیر رقم واردات در سال ۱۳۸۴ را مهم و قابل تأمل دانست. رقم پیش‌بینی شده برای واردات در سال ۱۳۸۴ در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه ۳۲/۳ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با عملکرد حاصل تفاوتی ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد و اینکه کشور در سال اول اجرای برنامه ۷۲۵ برابر آنچه در برنامه پیش‌بینی شده، واردات داشته است و البته علت اصلی این رخداد را باید در افزایش درآمد ارزی کشور ناشی از افزایش قیمت نفت دانست. در سالهای پس از ۷۶ تا ۸۳ (دوره‌ی دولت خاتمی) سهم عمده‌ی واردات به کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای که نقش عمده و مستقیمی در تولید و اشتغال دارند، تعلق داشته است. متأسفانه با وجود تلاش دستیابی به ترکیب و سهم کالاهای وارداتی در سال ۱۳۸۴ میسر نشد، انتظار می‌رود که در حدود همین نسبت‌ها در مورد ترکیب واردات این سال برقرار باشد و در نتیجه‌ی آن رقم عمده‌ی واردات در خدمت تولید و رونق‌بخشی به اقتصاد کشور بوده باشد. بدیهی است در صورت به هم خوردن این ترکیب به نفع واردات کالاهای مصرفی آن‌را نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد و با توجه به اقتصاد نفتی ایران باید رخداد ابتلا به «بیماری هلندی» را انتظار کشید. در عین حال باید یادآور شد که رشد واردات در سطوح بسیار بالاتر از نیاز رشد تولید ملی نشان‌دهنده‌ی محتوای بیش از حد نیاز وارداتی رشد تولید است و این نگرانی وجود دارد که اقتصاد ملی به میزان مطلوب بازدهی نداشته است. تراز پرداخت‌های خارجی کشور در سال ۱۳۸۴ در بخش تراز بازرگانی و حساب جاری به یمن افزایش درآمد نفت مثبت بود. رقم تراز بازرگانی به ۱۹۰۴۳ میلیون دلار و تراز حساب جاری به ۱۴۰۳۷ میلیون دلار بالغ شد که نسبت به همه‌ی سالهای پس از انقلاب بالاترین رقم به حساب می‌آید و آن‌را باید رخدادی منحصر به‌فرد به‌شمار آورد.

در کشور ما
سیاستهای
«توزیع و مصرف
درآمد» بر
سیاستهای
«تولید ثروت»
کاملاً غلبه دارد،
به‌گونه‌ای که در
استفاده از منابع
و ثروت متعلق به
آیندگان (منابع و
ذخایر بین نسلی
مثل نفت و گاز)
گشاده‌دستی
شده، بدون آنکه
برای نسل‌های
بعدی
سرمایه‌گذاری
شود

بورس اوراق بهادار

جدول ۱ عملکرد معاملات سهام در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۷۶ به بعد را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که عملکرد بازار بورس در سال ۱۳۸۴ برای سهامداران بازده مناسبی به همراه نداشته و آنها متضرر شده‌اند. سقوط ۲۲ درصدی رقم شاخص قیمت کل سهام خود گویاترین نشانه بر وضعیت بحرانی بورس در این سال است.

دلایل چنین رخدادی را باید در ارتباط با تحولات داخلی (انتخابات ریاست جمهوری و جابه‌جایی دولت) و خارجی (مسائل مرتبط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران و سیاست خارجی) و مسائل درونی بورس جست‌وجو کرد. به هر حال ارزش جاری بازار سهام تحت تأثیر این تحولات از ۳۸۷۵۴۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۳۲۵۷۲۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۴ کاهش یافت که حاکی از رشد منفی ۱۶ درصد در این بازار است و با وجود رشد مثبت ۶/۳ درصدی تعداد سهام معامله شده، ارزش معاملات در حد ۴۴/۴ درصد کاهش یافته و موجبات منفی شدن دیگر شاخص‌ها را (بجز شاخص بازده نقدی) فراهم آورده است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت روند مثبتی که از سال ۷۶ در بورس اوراق بهادار به راه افتاده بود و موجبات جذب پس‌اندازهای مردم را به سوی سرمایه‌گذاری و تولید دامن می‌زد، متأسفانه از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۳ دچار آسیب شد و در سال ۱۳۸۴ این روند نزولی شدت یافت و عملاً به فرار سرمایه از این بازار منجر شد. وضعیت بازار بورس روند حرکت و شاخص قیمت کل سهام بازتابی از روند تحولات و وضعیت اقتصادی و سیاسی جاری کشور است و به همین دلیل دولتمردان و فعالان عرصه‌ی سیاست باید به‌شدت نسبت به این وضعیت و شاخص حساس بوده و جهت‌گیری آن‌را در هرگونه تصمیم‌گیری و اقدام لحاظ کنند. نکته‌ی قابل ذکر اینکه اجرایی شدن قانون جدید بازار سرمایه در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ نیز نتوانست کوچکترین تأثیری در اصلاح روند جاری بورس اوراق بهادار بگذارد، هر چند که اجرای کامل این قانون و تأثیرات آن‌را باید در سال جاری پی گرفت.

بزرگترین مسأله‌ی بخش خارجی اقتصاد ایران، بلکه تصویر کلان اقتصاد کشور، طی سالهای آینده ایجاد

اقتدارگرایان در
همه‌ی سالهای
گذشته به دولت
خاتمی در مورد
افزایش میزان
واردات ایراد
گرفته و آن‌را
عملکرد منفی
ارزیابی می‌کردند،
اما تاکنون در
قبال این رخداد
در سال ۱۳۸۴،
که رقم عمده‌ی
واردات در نیمه‌ی
دوم این سال و
استقرار دولت
احمدی‌نژاد انجام
گرفته است،
سکوت کرده‌اند



جدول ۱- فعالیت بورس اوراق بهادار تهران

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
ارزش معاملات (میلیارد ریال)	۲۰۱۷/۶	۳۱۱۶/۷	۵۳۴۳/۶	۹۱۷۴/۷	۷۸۳۰/۹	۲۲۷۷۶/۱۰	۶۷۱۷۸	۱۰۱۶۲۲	۵۴۵۲۸/۸
تعداد سهام مورد معامله (میلیون سهم)	۵۵۶/۲	۱۲۰۲/۷	۱۱۸۱/۹	۱۶۸۱/۵	۱۷۰۵/۶	۴۱۴۵/۴	۷۸۸۰/۱	۱۳۶۲۷/۲	۱۴۵۰۲/۹
شاخص قیمت کل سهام (۱۰۰/۱۳۶۹)	۱۴۵۳	۱۵۳۸	۲۲۰۴/۲	۳۹۷۸/۳	۳۷۵۸/۸	۵۰۶۲/۸	۱۱۳۷۹/۴	۱۲۱۱۳	۹۴۵۹/۴
شاخص قیمت مالی	—	۲۰۲۸/۲	۴۶۸۳/۶	۶۳۴۷/۳	۸۳۱۷/۹	۸۹۸۵/۱	۲۳۲۰۲/۶	۴۳۲۰۵/۶	۲۰۱۴۱/۳
شاخص قیمت صنعت	—	۱۳۷۵/۸	۱۹۳۵/۹	۲۶۲۱/۸	۳۲۵۴/۸	۴۶۲۲/۹	۱۰۰۶۰/۱	۹۲۱۴/۹	۷۹۲۷/۳
شاخص قیمت و بازده نقدی	—	۱۹۱۱/۹	۳۲۶۶/۳	۵۳۲۱/۴	۷۵۰۲/۰	۱۱۳۴۵/۹	۲۷۰۷۲/۹	۳۰۷۶۲	۲۶۸۳۹/۸
شاخص بازده نقدی	—	۲۰۵۵	۳۴۴۷/۴	۳۹۹۸/۱	۳۳۹۹/۴	۳۷۰۴/۵	۳۹۲۳/۲	۳۱۸۸/۱	۲۶۹۳/۲
ارزش بازار (میلیارد ریال)	۲۷۱۲۸	—	—	۶۳۲۸/۶	۸۱۶۸/۱۸	۱۱۷۷۷۲/۹	۳۰۹۶۹۶	۳۸۷۵۴۷	۳۲۵۷۲۹
تعداد شرکتها	۲۶۳	—	—	۳۰۷	۳۱۸	۳۳۴	۳۸۶	۴۲۳	۴۱۹

لازم به ذکر است که با وجود افزایش رقم تجارت خارجی کشور در سال ۱۳۸۴ به رقم ۱۰۰۹۸۱ میلیارد دلار (عمدتاً به دلیل افزایش قیمت نفت) سهم ایران از تجارت جهانی بالغ بر ۰/۴۵ درصد شده است که تناسب چندانی با نسبت جمعیت ایران به جهان و امکانات و تواناییها و جایگاه کشور در عرصه‌ی جهانی و منطقه‌ای ندارد.

بدهی خارجی

در هنگام روی کار آمدن دولت خاتمی در سال ۷۶ تعهد بالفعل (بدهی) خارجی ایران ۱۴/۳ میلیارد دلار بود که در پایان کار دولت خاتمی در سال ۱۳۸۴ به حدود ۲۳ میلیارد دلار افزایش یافت و این در حالی بود که طی همین دوره میزان ذخایر ارزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از رقم حدود ۳ میلیارد دلار به بالاترین حد خود طی سالهای پس از انقلاب رسید و بیشتر از ۵۰ میلیارد دلار شد (بیش از ۱۶ برابر). مدیریت بدهی خارجی و افزایش ذخایر و دارایی‌های خارجی کشور، که ناشی از مدیریت منابع ارزی در دولت خاتمی به نفع اقتصاد ملی بوده است را می‌توان یکی از موفقیت‌های برجسته‌ی این دولت به‌شمار آورد.

مجموع تعهدات بالقوه ۱۷/۵۵ میلیارد دلار و بالفعل ۲۴/۳۳ میلیارد دلار کشور بالغ بر ۴۰/۸ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۸۴ بوده است که نسبت به رقم تولید ناخالص داخلی و در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه

ظرفیت پرداخت جدید و تنوع در مبانی صادراتی است. آزادسازی در تجارت خارجی (عمدتاً تسهیل واردات) و جریانات سرمایه‌ای طی سالهای اخیر اگر چه بسیار مثبت و سازنده بوده است، اما باید با سیاستهای معطوف به تنوع‌پذیری در تولید و صادرات و حفظ رقابت‌پذیری اقتصاد ملی ممزوج و تکمیل شود. آزادسازی‌های یکجانبه‌ی سالهای اخیر محتوای وارداتی رشد تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی را به شدت افزایش داده است (تفاوت متوسط رشد سالانه‌ی واردات ۲۰/۵ درصد و رشد متوسط سالانه‌ی تولید ۵/۵ درصد طی دوره‌ی ۱۳۷۹۹۸۴). این تحول نشان می‌دهد که اقتصاد ملی نه‌تنها در حد ظرفیت‌های بالقوه تولید نمی‌کند، بلکه از بابت رقابت‌پذیری و فروش محصول دچار مشکل است و از این رو بازننگری در برخی سیاستها را ضروری می‌کند. در این مسیر پاسداری از «حساب ذخیره‌ی ارزی» از بابت پشتوانه‌ی ارزی برای کشور و بودجه‌ی دولت در شرایط کاهش قیمت نفت و حمایت و تقویت مستمر بخش خصوصی و نیز ایجاد اطمینان لازم در فعالان اقتصادی باید به جد مورد توجه دولت و مجلس قرار گیرد و برداشت از این حساب جز در موارد حیاتی و ضروری انجام نشود، اقدامی که متأسفانه دولت و مجلس در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ و سال جاری به آن توجه و عمل نکرده‌اند.

عملکرد اقتصاد کشور را با توجه به مجموع شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌خصوص با تکیه بر دو شاخص رشد تولید و نرخ تورم داخلی و جهانی، در زمینه‌ی حفظ و تقویت ارزش پول ملی باید موفق ارزیابی کرد. در سال ۱۳۸۴ نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی چندان تغییری نکرد که این امر نوعی آرامش و ثبات را به اقتصاد ملی ارزانی داشت



بزرگترین مسأله‌ی
بخش خارجی
اقتصاد ایران، بلکه
تصویر کلان
اقتصاد کشور، طی
سالهای آینده
ایجاد ظرفیت
پرداخت جدید و
تنوع در مبانی
صادراتی است.
آزادسازی در
تجارت خارجی
(عمدتاً تسهیل
واردات) و جریانات
سرمایه‌ای طی
سالهای اخیر اگر
چه بسیار مثبت و
سازنده بوده است،
اما باید با
سیاستهای
معطوف به
تنوع‌پذیری در
تولید و صادرات و
حفظ رقابت‌پذیری
اقتصاد ملی ممزوج
و تکمیل شود.

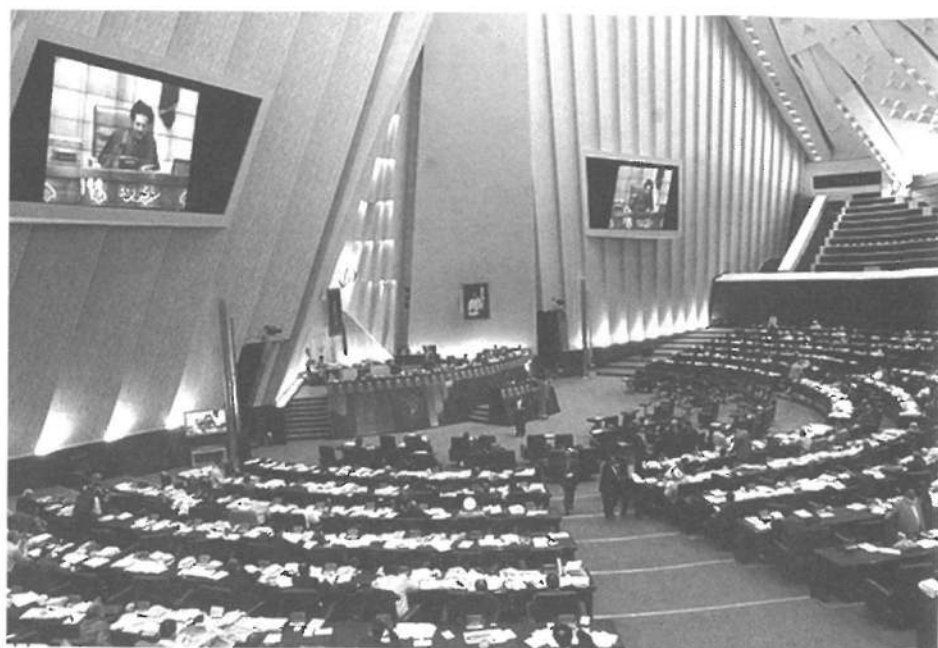
اشتغال را باید مهمترین چالش پیش روی اقتصاد ملی در شرایط کنونی دانست و یقیناً حل آن نیاز به عزم ملی و همراهی همه‌ی ارکان و اجزای نظام دارد و اینکه از تمام روشها و امکانات موجود داخلی و خارجی و دولتی و خصوصی برای سرمایه‌گذاری استفاده شود که در این مسیر تعامل مثبت و سازنده با اقتصاد جهانی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از روز روشن تر است که عدم پاسخگویی مناسب به نیاز اشتغال خیل بیکارانی بیش از سه میلیون نفر چه آثار و عواقب زیانباری را متوجه کشور و نظام می‌کند. گسترش فقر و فساد و تبعیض در کشور عموماً ناشی از افزایش دامنه‌ی بیکاری و انباشت خیل بیکاران و شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «لشکر ذخیره‌ی آشوب» است که حتماً مسؤولان اداری کشور. که شعار مبارزه با فقر و فساد و تبعیض سر داده و می‌دهند. به این موضوع توجه تام و تمام دارند. جالب آنکه آنانی که بیشترین انتقادات را از این ناحیه متوجه دولت خاتمی و اصلاح‌طلبان می‌کردند، حال خود به‌طور یکپارچه در مصدر اداری امور قرار گرفته‌اند و طبعاً باید پاسخگویی شعارها و وعده‌های گذشته‌ی خود باشند.
تصویری از توزیع جمعیت کشور بر حسب فعال و شاغل بیان می‌دارد که نرخ بیکاری در پایان سال ۱۳۸۴ معادل ۱۲/۱ درصد بوده است (جمعیت فعال ۲۲/۳ و شاغل ۱۹/۶ میلیون نفر) بر پایه‌ی گزارش بانک مرکزی جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۸۳ معادل ۱۲/۶ میلیون نفر و نرخ بیکاری معادل ۱۰/۳ درصد بوده است که مقایسه‌ی شاخص این دو سال حاکی از افزایش نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۴ است و در واقع عملکرد اقتصاد کشور در این مورد موفق نبوده است.

رقم قابل قبولی است هر چند با نگاه احتیاطی باید از ایجاد و افزایش هر گونه بدهی جدید برای کشور و دولت جلوگیری کرد.

ارزش قراردادهای بیع متقابل شناسایی شده تا پایان ۹ ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۵ میلادی حدود ۲۲۸۶۲ میلیون دلار بوده که ۱۷۰۵۱ میلیون دلار از تعهدات پیمانکاران آن محقق شده و ۸۰۸۸ میلیون دلار (شامل ۶۹۵۶ میلیون دلار اصل و ۱۱۳۲ میلیون دلار بهره) از تعهدات قبلی نیز بازپرداخت شده است. میزان خالص تعهدات بالقوه و بالفعل از قراردادهای بیع متقابل در این مقطع به ترتیب معادل ۵۸۱۱ و ۱۰۰۹۵ میلیون دلار است.

بیکاری و اشتغال

عملکرد اقتصاد کشور در ایجاد فرصتهای شغلی در سال ۱۳۸۴ حدود ۷۰۰۰۰۰ شغل در مقابل عرضه‌ی ۹۰۰۰۰۰ نیروی کار به بازار برآورد می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این عملکرد پاسخگوی بازار کار نبوده و این در حالی است که کشور با انباشت حدود سه میلیون نفر جمعیت بیکار از سالهای گذشته و موج جمعیت جوینای کار به بازار در سالهای آتی روبه‌رو است. در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای پاسخگویی به نیاز اشتغال در کشور طی سالهای اجرای برنامه، ایجاد متوسط سالانه ۸۹۷ هزار فرصت شغلی پیش‌بینی شده است تا از این رهگذر نرخ بیکاری از ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یابد و طی همین دوره جمعیت بیکار از ۲/۷ میلیون نفر به ۲/۲ میلیون نفر برسد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال اول اجرای قانون برنامه‌ی چهارم توسعه این امر محقق نشده است. از آنجا که مسأله‌ی بیکاری و



شکل تأمین مناسب مخارج جاری دولت است، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴، هزینه‌های جاری دولت ۳۷/۳ برابر درآمدهای مالیاتی آن بوده است، که تفاوت معناداری را نسبت به رقم ۲/۷ برابری سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد و این رخداد را باید هشداردهنده و منفی ارزیابی کرد. در متون اقتصادی برابر یک بودن این نسبت را دلیل محکمی برای سالم و پویا بودن یک اقتصاد ملی دانسته و انتظار می‌رود که هزینه‌های جاری دولت تا حد امکان از محل درآمدهای مالیاتی تأمین شود، هدفی که تحقق آن در قانون برنامه‌ی چهارم پیش‌بینی و الزام‌آور شده است، اما عملکرد اقتصاد کشور در سال اول اجرای این برنامه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را در این باره به نمایش نگذاشته است و این بحث باید با توجه به افزایش ۵۹/۴ درصدی درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل و تحقق ۹۹/۱ درصدی رقم پیش‌بینی مصوب قانون بودجه‌ی این سال مدنظر قرار گیرد.

بودجه و دولت

از مهمترین شاخص‌های موجود در بخش بودجه‌ی دولت، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید اسمی است. این نسبت برای سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۷/۹ درصد شده است که در مقایسه با سالهای قبل افزایش نشان می‌دهد (این نسبت برای سال ۱۳۸۳ برابر با ۶/۱ درصد بوده است) که با توجه به روند افزایشی هر چند کند این شاخص طی سالهای اجرای برنامه‌ی سوم توسعه باید آنرا مثبت ارزیابی کرد و امید داشت که با تصویب لایحه‌ی «مالیات بر ارزش افزوده»، ارائه شده از سوی دولت به مجلس، این نسبت به نفع اقتصاد ملی و بودجه‌ی دولت افزایش مناسب یابد. به هر میزان که سهم مالیات در بودجه‌ی عمومی دولت افزایش یابد می‌توان گفت به همان میزان نیز اقتصاد ملی رو به پویایی و سالم‌سازی به پیش می‌رود.

شاخص مهم دیگری که در رابطه با بودجه‌ی دولت باید به آن پرداخت نسبت هزینه‌های جاری دولت به تولید اسمی است. این شاخص برای سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۵۰/۵ درصد بوده است که در مقایسه با رقم ۳۲/۴ درصدی برای سال ۱۳۸۳، حاکی از افزایش بیش از حد آن است. این شاخص که در واقع بیانگر نقش دولت در اقتصاد ملی است به خوبی نشان‌دهنده‌ی میزان بالای مداخله‌ی دولت در اقتصاد ایران است و با توجه به روند افزایشی آن در سالهای اخیر باید آنرا به لحاظ کاهش نقش تصدی‌گری دولت منفی ارزیابی کرد. شاخص نسبت مخارج جاری دولت به کل درآمدهای مالیاتی، که به‌عنوان شاخصی از

در تحلیل بودجه‌ی دولت، در بخش درآمدها، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها (بدون احتساب رقم شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی) در سال ۱۳۸۴ با ۹۴/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۲۰۰۳۷۴/۹ میلیارد ریال بالغ شد که نسبت به رقم مصوب ۹۹/۱ درصد تحقق داشته است. به عبارت بهتر در این سال می‌توان گفت تمام درآمدهای مصوب تحقق‌یافته و این در حالی است که میزان تحقق درآمدهای دولت در سال ۱۳۸۳ تنها در حدود ۸۷/۳ درصد بوده است. با احتساب عملکرد رقم شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی به میزان ۲۶۶۷۸۵/۷ میلیارد ریال، که در قسمت سایر درآمدهای دولت طبقه‌بندی می‌شود، مجموع درآمدهای عمومی دولت در سال ۱۳۸۴ معادل ۴۶۷۲۵۰/۶ میلیارد ریال شده است که در مقایسه با رقم مصوب، ۹۹/۶ درصد تحقق داشته است. به‌طور کلی سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت در این سال ۶۷/۲ درصد و سهم سایر درآمدها ۳۲/۸ بوده است. پرداخت هزینه‌های جاری در سال ۱۳۸۴ (بدون احتساب رقم یارانه‌ی حامل‌های انرژی) معادل ۳۳۰۸۸۴/۱ میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل ۴۲/۷ درصد رشد و در مقایسه با رقم مصوب از ۹۵/۶ درصد تحقق برخوردار بود. از نظر تراز عملیاتی (ماه‌التفاوت درآمدها با پرداخت‌های هزینه‌ای و تنخواه‌گردان خزانه معین استان‌ها) دولت با ۱۳۰۵۰۹/۲ میلیارد ریال کسری مواجه شد. در همین حال خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای معادل ۶۹۶۵۵/۹ میلیارد ریال بود که به این

عملکرد اقتصاد کشور در ایجاد فرصتهای شغلی در سال ۱۳۸۴ حدود ۷۰۰۰۰ شغل در مقابل عرضه‌ی ۹۰۰۰۰ نیروی کار به بازار برآورد می‌شود... کشور با انباشت حدود سه میلیون نفر جمعیت بیکار از سالهای گذشته و موج جمعیت جویای کار به بازار در سالهای آتی روبه‌رو است



ترتیب تراز عملیاتی و سرمایه‌ای از ۶۰۸۵۳/۴ میلیارد ریال کسری برخوردار شد.

در سال ۱۳۸۴ واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به رقم ۱۸۷۲۹۴/۵ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال گذشته ۲۳/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین این رقم نسبت به رقم مصوب در بودجه، ۹۴/۹ درصد تحقق داشته است. واگذاری دارایی‌های مالی نیز که شامل استفاده از منابع داخلی و خارجی است، با ۲/۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۸۳۳۲۰/۷ میلیارد ریال رسید که در مقایسه با رقم مصوب بودجه در این سال، ۷۲/۱ درصد محقق شده است.

نکته‌ی بسیار قابل تأمل و توجه در تحلیل بودجه‌ی دولت در سال ۱۳۸۴ این است که در نیمه‌ی دوم این سال با استقرار دولت احمدی‌نژاد، رخداد کسری بودجه‌ی ناشی از تراز عملیاتی و سرمایه‌ای از یک سو و فشار وعده‌های هزینه‌ای داده شده از سوی دیگر باعث ارائه‌ی دو لایحه‌ی متمم بودجه از سوی دولت جدید به مجلس شد، اقدامی که در همه‌ی سالهای پس از انقلاب و جنگ سابقه نداشت. بر پایه‌ی این اقدام با اصلاح ماده‌ی سه و جدول‌های شماره‌ی چهار و هشت قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و متمم بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ کل کشور (مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۲۸) رقم مربوط به وجوه حاصل از فروش نفت خام در سال ۱۳۸۴ معادل ۴۲۴۴۴ میلیارد ریال افزایش یافت. از محل این افزایش، یارانه‌های بنزین، مسکن روستایی، گندم و تأمین برق، هر یک به ترتیب ۲۳۵۶۴، ۳۱۸۰، ۵۷۰۰ و ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال تأمین مالی شد.

در مجموع طبق متمم اول بودجه‌ی سال ۱۳۸۴، کل منابع و مصارف بودجه‌ی عمومی دولت به مبلغ ۵۵۵۴۴ میلیارد ریال نسبت به رقم مصوب اولیه افزایش یافت و بر پایه‌ی لایحه‌ی متمم دوم بودجه که در ماه‌های پایانی سال برای تأمین کسری اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی در زمینه‌ی پرداخت بهنگام حقوق و مزایا، عیدی پایان سال، دیون سالهای گذشته و سایر هزینه‌های پرسنلی کارکنان شاغل، بازنشسته و موظف و تأمین کسری یارانه‌ها از سوی دولت ارائه و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۲ به تصویب مجلس رسید، مبلغ ۴۶۸۲۴ میلیارد ریال به درآمدهای مندرج در قانون بودجه‌ی کل کشور اضافه شد. با احتساب رقم جمعی، خرجی معادل ۲۰۰۳ میلیارد ریال (موضوع تبصره‌ی پنجم متمم دوم قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۴) منابع بودجه در این سال طبق متمم دوم مبلغ ۴۸۸۲۷ میلیارد

در واقع محلی برای واریز درآمدهای احتمالی از محل مطالبات مشکوک‌الوصول بود. به این ترتیب قرار بود بخشی از درآمدهایی که محقق‌الوصول نباشند، بدون آنکه محل هزینه‌ای برای آنها پیش‌بینی شود در این حساب نگهداری شده و در صورت وصول، طبق مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی به مصرف برسد. منابع درآمدی «حساب ذخیره‌ی ریالی» عبارت از: درآمد حاصل از فروش ساختمانها و امکانات منقول دستگاههای اجرایی مستقر در تهران که فعالیت آنها در شهرستانها یا مراکز استانهاست و درآمد حاصل از واردات خودرو بود. قابل توجه اینکه این حساب هیچ‌گونه عملکردی را در قالب بودجه در پی نداشت.

مقایسه‌ی عملکرد سال ۱۳۸۴ به لحاظ رشد اعداد و ارقام بودجه با سالهای قبل خود گویای تغییر نگرشی است که در دولت نهم و مجلس هفتم نسبت به اداره‌ی اقتصاد کشور و نقش دولت وجود دارد.

سیاستهای پولی و اعتباری

بر پایه‌ی مصوبات درجه‌ای در سال ۱۳۸۴ نقدینگی نسبت به سال ۱۳۸۳ معادل ۳۴/۳ درصد افزایش یافت که نسبت به رشد دوره‌ی مشابه سال قبل ۳۰/۲۲ با افزایشی معادل ۴/۱ واحد درصد، مواجه بوده است. از دید مؤثر در رشد نقدینگی، آماره‌انسان می‌دهند که در سال ۱۳۸۴، مطالبات از بخش غیردولتی با سهمی معادل ۳۰/۵ واحد درصد بالاترین سهم در رشد نقدینگی را از آن خود کرده است. سهم خالص دارایی‌های خارجی در رشد نقدینگی ۱۶/۴ واحد درصد بوده و از بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی خالص دارایی‌های داخلی، خالص مطالبات از دولت عمدتاً به دلیل افزایش سپرده‌های دولت نزد نظام بانکی سهمی کاهنده و معادل ۱۷/۷ واحد درصد رشد داشته است. خالص سایر عوامل نیز سهمی کاهنده و معادل ۱/۶ واحد درصد در رشد نقدینگی داشته است. در نهایت خالص مطالبات از شرکت‌ها و مؤسسات دولتی سهمی کوچک و معادل ۰/۸ واحد درصد در رشد نقدینگی داشته است. دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۴ عمدتاً به علت خرید ارز از دولت برای تأمین منابع ریالی بودجه و عدم فروش کامل آن در بازار افزایش یافت. خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی نیز به دلیل افزایش سپرده‌های دولتی نزد بانک مرکزی به میزان ۴۵۰۶۳/۷ میلیارد ریال، کاهش یافت که بیشترین سهم را در کاهش پایه‌ی پولی داشته است. درنهایت، برآیند این عوامل موجب افزایشی

ریال افزایش یافت. در همین حال مصارف نیز طبق همین متمم، ۱۱۵۵۹/۵ میلیارد ریال بیشتر از مصارف مصوب اولیه افزایش یافت. به عبارت بهتر، مصارف مصوب بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ طبق متمم دوم بودجه به مبلغ ۶۰۳۸۶/۵ میلیارد ریال افزایش یافت. در مجموع، براساس متمم‌های اول و دوم، منابع مصوب بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ به ۱۰۴۳۷۱ میلیارد ریال و مصارف مصوب به ۱۱۵۹۳۰/۵ میلیارد ریال افزایش یافت. بنابراین رقم ۱۱۵۵۹/۵ میلیارد ریال (مابه‌التفاوت منابع و مصارف بودجه‌ی سال ۱۳۸۴) تحت عنوان صرفه‌جویی ضمن اجرای بودجه به جمع منابع مصوب افزوده شد. لازم به یادآوری است که بر پایه‌ی اصلاح قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ و دو لایحه‌ی متمم هزینه‌ی ارزی دولت (ناشی از درآمد نفت و برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی) را به رقم بی‌سابقه‌ی ۳۴۳۲۴ میلیون دلار افزایش داد که در مقایسه با رقم حدود ۲۳ میلیارد دلاری سال ۱۳۸۳ حاکی از افزایشی برابر ۱۱/۳ میلیارد دلار است و رقمی حدود ۱۲/۴ میلیارد آن از حساب ذخیره‌ی ارزی تأمین و برداشت شد.

شاخص دیگری که در انتهای این بخش می‌تواند به تحلیل بودجه و فعالیتهای دولت کمک کند سهم مخارج عمرانی دولت از کل درآمدهای نفتی است. این شاخص در بهترین شرایط می‌تواند برابر یک یا بیشتر باشد، مشروط بر آنکه درآمدهای نفتی به هیچ‌وجه صرف هزینه‌های جاری نشده و پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری شود. چنانچه این کل سهم بالاتر و نزدیک به یک باشد، مؤید آن است که کل درآمدهای نفتی صرف ایجاد زیرساخت‌های اقتصاد ملی و عمران و آبادانی کشور شده است.

در سال ۱۳۸۴ سهم مخارج عمرانی از درآمدهای نفتی (بدون احتساب برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی) بالغ بر ۵۱/۴ درصد و کل ۴۰/۷ درصد شده است که در مقایسه با ارقام مشابه سال ۱۳۸۳، ۵۲/۳۳ و ۳۷/۳ تفاوت معناداری را به نمایش نمی‌گذارد و به عبارت دیگر با وجود افزایش درآمدهای دولت از نفت و برداشت بالا از حساب ذخیره‌ی ارزی، سهم هزینه‌ی عمرانی چندان تغییری نکرده و همچون گذشته سهم عمده‌ی درآمد نفت صرف هزینه‌های جاری دولت شده است.

نکته‌ی آخر در تحلیل بودجه‌ی دولت اشاره به این مطلب است که براساس بند (پ) ماده‌ی واحده‌ی قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۴، ایجاد «حساب ذخیره‌ی ریالی» برای اولین بار در قانون بودجه پیش‌بینی شد. حساب مذکور

اقتصاد ایران
همچنان با
مسائلی از قبیل:
عدم تناسب نرخ
رشد اقتصادی با
شرایط و مطالبات
جامعه، بالا بودن
نرخ بیکاری و
کاهش ناپذیری
بخش تولید،
سطح پایین
بهره‌وری عوامل
تولید و بهره‌وری
کل، وابستگی
بودجه‌ی دولت به
درآمد نفت و
نوسانات بازار
نفت...، مواجه
است که درباره‌ی
آنها باید
چاره‌اندیشی و
سیاستگذاری
شود.



معادل ۴/۱ درصد در پایه‌ی پولی شده است. بر اثر سر رسید شدن اوراق مشارکت بانک مرکزی در سال ۱۳۸۴ و جایگزین نشدن به موقع آن، موجودی این اوراق از ۲۰۲۵۰/۳ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۳ به ۱۰۳۲۷/۶ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۴ کاهش یافت. در نتیجه‌ی این اقدام و آزاد شدن وجوه اوراق مشارکت بانک مرکزی، جزو خالص سایر ارقام در سال ۱۳۸۴، سهم فزاینده‌ای معادل ۱۳/۳ واحد درصد در افزایش پایه‌ی پولی داشته است.

ضریب فزاینده‌ی نقدینگی نیز از ۴/۵۳۵ درصد در پایان سال ۱۳۸۳ با ۴/۸ درصد کاهش به ۴/۳۱۶ درصد در پایان سال ۱۳۸۴ کاهش یافت. کاهش فوق عمدتاً ناشی از افزایش نسبت ذخایر اضافی به کل سپرده‌ها به میزان ۱۱۵/۶ درصد است که به لحاظ ارتباط منفی این نسبت با رشد ضریب فزاینده، در نهایت منجر به ۰/۳۹۱۳ واحد کاهش در ضریب فزاینده شده است. افزایش ذخایر اضافی عمدتاً در شکل سپرده‌های دیداری بانکها نزد بانک مرکزی است که از ۱۱۸۵۵ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۳ به ۳۴۷۱۴ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. این امر ناشی از برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی و تبدیل کردن آن به ریال بوده که با توجه به وقوع آن در اواخر سال، امکان اعطای تسهیلات وجود نداشته و لاجرم در شکل ذخایر اضافی بانکها ظاهر شده است. نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به کل سپرده‌ها، در پایان سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل از آن، به میزان ۱۶/۶ درصد واحد کاهش یافت. این امر بخشی از کاهش مربوط به ضریب فزاینده‌ی نقدینگی را خنثی کرد. در نهایت کاهش نسبت سپرده‌های قانونی به کل سپرده‌ها به میزان ۰/۳ درصد موجب افزایش ضریب فزاینده به میزان ۰/۰۰۸۹ واحد شده است.

بررسی تحولات پایه‌ی پولی و ضریب فزاینده‌ی نقدینگی در سال ۱۳۸۴ به‌ویژه در یک ماه پایانی سال، نشان می‌دهد که ظرفیت افزایش نقدینگی در سال ۱۳۸۵ از ناحیه‌ی انبساط پایه‌ی پولی به‌وجود آمده در سال ۱۳۸۴ بسیار قوی است. پایه‌ی پولی در اسفندماه سال ۱۳۸۴ نسبت به بهمن‌ماه از رشدی معادل ۲۸/۱ درصد برخوردار شد که علت عمده‌ی این امر کاهش ۳۲/۲ درصدی سپرده‌های بخش دولتی (حدود ۳۵۰۰۰ میلیارد ریال) بوده است. برآیند این عوامل در سال ۱۳۸۴ منجر به شتاب گرفتن رشد پایه‌ی پولی نسبت به رشد نقدینگی شد. این فرایند احتمالاً با توجه به قدرت اعتباردهی بانکها، به رشد فزاینده‌ی نقدینگی در کشور طی سال ۱۳۸۵ منجر می‌شود.

چهارم توسعه ناموفق بوده است. استقرار دولت احمدی نژاد، که در همسویی کامل فکری و سیاسی با مجلس و دیگر نهادهای حاکمیتی قرار دارد و وعده‌های اقتصادی بسیار به مردم داده است از قبیل مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، بردن درآمد نفت به سر سفره‌های مردم، توسعه‌ی عدالت‌محور و... همزمان با افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی ایران، انتظارات اقتصادی بسیاری را در جامعه دامن زده است، که طبعاً نظام باید پاسخگویی آنها باشد. رویکرد متفاوت دولت خاتمی و اصلاح‌طلبان به اقتصاد و سیاست، کارنامه‌ای در هشت سال گذشته به جای گذاشته است که خود مبنای مقایسه‌ای برای عملکرد دولت احمدی نژاد و جریان همسویش از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ به این طرف خواهد بود، به‌ویژه آنکه همه‌ی افراد و گروه‌های درون جناح حاکم فعلی از منتقدان سرسخت عملکرد اقتصادی دولت خاتمی و اصلاح‌طلبان در سالهای پس از ۷۶ بوده‌اند و حال خود باید پاسخگویی شعارها، وعده‌ها و عملکردشان باشند.

در پایان باید یادآور شوم که اقتصاد ایران همچنان با مسائلی از قبیل: عدم تناسب نرخ رشد اقتصادی با شرایط و مطالبات جامعه، بالا بودن نرخ بیکاری و کشتش ناپذیری بخش تولید، سطح پایین بهره‌وری عوامل تولید و بهره‌وری کل، وابستگی بودجه‌ی دولت به درآمد نفت و نوسانات بازار نفت، بالا بودن اندازه‌ی دولت و چسبندگی هزینه‌های جاری دولت، درصد تحقق پایین بودجه‌ی عمرانی، رشد تعهدات خارجی به‌طور اعم و بدهی‌های کوتاه‌مدت قطعی به‌طور اخص، منفی شدن وضعیت بازار ارزی بانکها و کاهش تقاضای میان‌مدت ارز در بازار بین بانکی، فقدان اعتماد و اطمینان لازم برای مشارکت فعالانه‌ی بخش غیردولتی و ناچیز بودن حجم صادرات غیرنفتی در مقایسه با حجم فعالیت‌های اقتصادی، شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه‌ی درآمد و وجود فقر و محرومیت رنج‌آور در دو دهک جمعیتی کشور مواجه است که درباره‌ی آنها باید چاره‌اندیشی و سیاست‌گذاری شود. سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۲۰ ساله‌ی کشور و قانون برنامه‌ی چهارم توسعه با توجه به این شرایط و واقعیات تدوین و تصویب شده و باید راهنمای عمل قوای حاکم در سالهای پیش‌رو باشد، اما عملکرد سال ۱۳۸۴ اقتصاد کشور و نهادهای حاکم حرکت در این چارچوب را نشان نمی‌دهد و نگرانی این است که با فاصله‌گیری از اجرای مصوبات باز هم در راه توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی ایران ناکام بمانیم.

از سوی دیگر طی اسفندماه سال ۱۳۸۴ ضریب فزاینده‌ی نقدینگی از رشدی منفی معادل ۸۱ درصد برخوردار شده که علت عمده‌ی آن افزایش نسبت ذخایر اضافی بانکها به کل سپرده‌ها است. این نسبت در اسفندماه نسبت به ماه گذشته‌ی آن معادل ۱۶۹/۴ درصد رشد یافت. بنابراین انتظار می‌رود ضریب فزاینده در سال ۱۳۸۵ از رشدی معادل ۲۰/۳ درصد برخوردار شود. به‌طور خلاصه مهمترین تحولات به‌وقوع پیوسته در حوزه‌ی سیاست‌های پولی و اعتباری در سال ۱۳۸۴ عبارت بود از: یکسان‌سازی نرخ‌های سود مورد انتظار تسهیلات بانکهای دولتی برای تمامی بخشهای اقتصادی در سطح ۱۶ درصد بدون تغییر در نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده‌ها، حذف سهمیه‌ی بخشی برای بانکهای دولتی (به غیر از بخش آب و کشاورزی) براساس بند (ج) ماده‌ی ۱۰ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و اعطای تسهیلات با نرخ‌های کمتر از نرخ‌های مصوب از طریق تأمین یارانه‌ی سود یا تخصیص وجوه اداره‌شده‌ی دولت و صدور مجوز انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی توسط مجلس شورای اسلامی براساس قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای اولین بار در تاریخ اقتصادی کشور. از منظر عملکرد حاصل رشد نقدینگی با هدف پیش‌بینی در برنامه‌ی چهارم توسعه برای سال ۱۳۸۴ یعنی ۲۴ درصد روشن است که با پیشی گرفتن ۱۰ درصدی این شاخص از هدف برنامه باید عملکرد حاصل را منفی ارزیابی کرد و در مجموع باید گفت که روند تحولات نقدینگی و اجرای آن در سال ۱۳۸۴ می‌تواند بیانگر فشار مضاعف رشد پایه‌ی پولی بر رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۵ باشد، زیرا تمامی آثار انبساطی آن در سال ۱۳۸۴ تخلیه نشده و بخش اعظم آن به آینده منتقل شده است. این ظرفیت به علاوه بودجه‌ی انبساطی سال ۱۳۸۵، در صورت عدم اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری مناسب و تلاش در جهت انقباض پولی احتمالاً رشد شدید نقدینگی را در سال جاری به دنبال خواهد داشت که در مقایسه با روند تاریخی آن رکورد بی‌سابقه‌ای خواهد بود.

جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی خلاصه با تکیه بر شاخص‌های کلان اقتصادی کشور می‌توان گفت که عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۴ ادامه‌ی روند گذشته و مشابه سالهای اجرای برنامه‌ی سوم توسعه بوده است، هر چند پاسخگویی نیازها و مطالبات اقتصادی رو به افزایش جامعه، به‌خصوص در زمینه‌ی رفاه و اشتغال نبوده است و حتی در تأمین اهداف کمی پیش‌بینی شده برای سال اول اجرای قانون برنامه‌ی

در یک جمع‌بندی خلاصه با تکیه بر شاخص‌های کلان اقتصادی کشور می‌توان گفت که عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۴ ادامه‌ی روند گذشته و مشابه سالهای اجرای برنامه‌ی سوم توسعه بوده است، هر چند پاسخگویی نیازها و مطالبات اقتصادی رو به افزایش جامعه، به‌خصوص در زمینه‌ی رفاه و اشتغال نبوده است